



## جهانی شدن، فرهنگ و برنامه‌ریزی آموزشی

محمد قهرمانی \*

حسن عاشقی \*\*

روح الله مهدیون \*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۱۰

تاریخ تایید مقاله: ۸۸/۷/۱۵

### چکیده:

پایان سده بیستم و آغاز سده بیست و یکم با پدیده جهانی شدن همراه بوده است. پدیده‌ای که ابعاد مختلف زندگی بشر از جمله فرهنگ را متأثر ساخته است. تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ و هویت فرهنگی با تهدیدها و فرصتهایی همراه است که مناسب‌ترین شیوه برخورد با این پیامدها توجه به آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی آموزشی است. برنامه‌ریزان و مسئولان آموزشی باید در رویارویی با جهانی شدن فرهنگ به گونه‌ای عمل کنند که ضمن برخورداری از فرصت‌های آن، از تهدیدها و تأثیرات منفی آن اجتناب شود. در این مقاله، مقوله جهانی شدن فرهنگ و یا تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ همچنین رسالت‌های نظام آموزشی و برنامه‌ریزان آموزشی در ارتباط با جهانی شدن فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته است. در ارتباط با مقوله فرهنگ و هویت فرهنگی به طور کلی در حوزه جهانی شدن دو نوع نگرش توسط صاحب نظران مطرح می‌شود:

۱. جهانی شدن موجب احیای جنبش‌های ملی و قومی شده است.
  ۲. همگرایی فرهنگی، گرایش به یکی شدن، زوال و آنتروپی فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و قومی.
- جهانی شدن به دنبال نوعی انسجام وحدت گرایانه در مقوله فرهنگ در سطح جهانی است. یکسان سازی فرهنگی در سطح جهانی، تفاوت‌های فرهنگی را از بین می‌برد. بنابراین وظیفه برنامه‌ریزان آموزشی در سطوح ملی تدوین راهبردهایی برای مقابله با چنین تهدیدهای جهانی شدن است.
- واژگان کلیدی:** جهانی شدن، فرهنگ، تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی آموزشی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی E-mail: m.ghahramani@sbu.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی E-mail: asheghitb1359@yahoo.com

\*\*\* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی E-mail: rmahdiuon@gmail.com

و (۱۹۷۴) مطرح شد. به نظر والرشتاین از قرن شانزدهم به بعد، نظام جهانی پدیدار شده است که متضمن مجموعه‌ای از ارتباطات اقتصادی و سیاسی است و در سراسر جهان گسترش یافته است. جهانی شدن در سه عرصه زندگی اجتماعی اساسی و تأثیرگذار تلقی شده است.

۱. عرصه اقتصادی

۲. عرصه سیاست و حکومت

۳. عرصه فرهنگ

با توجه به حیطه های اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ، جهانی شدن توسط صاحب نظران مختلف بر حسب تأکیدی که بر یکی از این عرصه ها داشتند به طور متفاوتی تعریف و تبیین شده است. برخی آن را مترادف رنگ باختن زمان و مکان دیده، جهانی شدن را در هم فشرده شدن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل تعریف کرده اند (رابرتسون، ۱۳۸۰). بعضی از جهانی شدن با عنوان "عرصه ای که دیگر آن جایی وجود ندارد و هر چه هست، همین جاست" یاد می‌کنند؛ و برخی دیگر با نگاهی منتقدانه جهانی شدن را مترادف غربی شدن گرفته، آن را مسلط شدن ارزش‌های غربی خاصه آمریکایی دانسته‌اند (لاتوش، ۱۳۷۹).

اسپرلینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، جهانی شدن را نیروی غالبی می‌داند که به طور مثبت محیط متعدد زندگی را شکل می‌دهد. شولت<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، در نگاهی جامع جهانی شدن را به معنای: ۱- بین‌المللی شدن ۲- لیبرالیزاسیون ۳- همگانی و یکی شدن ۴- غربی شدن و مدرنیزه شدن و ۵- قلمرو زدایی یا توسعه قلمرو می‌پندارد. آنتونی گیدنز (۱۹۹۰)، جهانی شدن را به عنوان تشدید روابط اجتماعی در سراسر دنیا می‌داند. تاملینسون<sup>۳</sup>، جهانی شدن را در قلمرو فرهنگ در نظر می‌گیرد و بیان می‌دارد که حاصل جهانی شدن، منطقه زدایی فرهنگ است؛ یعنی وابستگی فرهنگ را به محل، منطقه و سرزمین از بین می‌برد. واترز از دیگر صاحب نظرانی است که عقیده دارند جهانی شدن بیشتر در حوزه فرهنگ اتفاق می‌افتد (واترز، ۱۹۹۵).

در قبال پدیده جهانی شدن واکنش‌های گوناگون و بعضاً متضادی ارائه شده است که در یک سوی آن نگاه بدبینانه و مبتنی

جهانی شدن به منزله فرایند یا طرح و یا فرایند/ طرح در نظر گرفته می‌شود که هر چه سریع‌تر در حال شکل‌گیری است. جهانی شدن، در صورت وقوع، تأثیرات خود را بر همه ابعاد معرفتی و علمی به جا خواهد گذاشت (باقری، ۱۳۸۳). جهانی شدن، مسیر طبیعی زندگی مدرن و پیشرفته است که اثرات مهم و غیرقابل انکاری بر شئون مختلف زندگی جوامع به خصوص در هویت ملی و فرهنگی بر جای گذاشته است (باقری، ۱۳۸۳). برای کاهش اثرات منفی و افزایش نتایج مثبت این پدیده مانند همه پدیده‌های طبیعی، جوامع می‌توانند با شناخت قوانین تحول و تعادل آن، جهانی شدن را در جهت پیشرفت ملت‌ها و شهروندان هدایت کنند. هماهنگ شدن با تغییرات وسیعی که جهانی شدن در زندگی جوامع به وجود آورده است چالش‌های جدیدی را برای نظام‌های آموزشی به همراه دارد (بازرگان، ۱۳۸۳). خاستگاه جهانی شدن -چنان که نظریه پردازان بحث کرده اند- عرصه ای به جز تعلیم و تربیت است؛ ولی تعلیم و تربیت به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه های مختلف معرفت و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با تحولات در جامعه، تجدید ساختار یابد تا بتواند پاسخ گوی نیازها و خواسته های افراد جامعه باشد و جامعه را در جهت تعالی سوق دهد (عطاران، ۱۳۸۳).

حوزه فرهنگ که یکی از ابعاد متأثر از جهانی شدن است در این مقاله به طور عمیق و از جهات مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله، ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی جهانی شدن، فرهنگ و برنامه‌ریزی آموزشی به تأثیرات جهانی شدن بر فرهنگ و نقش آموزش و پرورش در رویارویی با آن پرداخته شده است. در این مطالعه دیدگاه‌های مطرح در مورد جهانی شدن فرهنگ مورد واکاوی قرار گرفته و شیوه‌های مناسب واکنش در مقابل آنها به عنوان رسالت برنامه‌ریزان آموزش و نظام آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. باشد که راهکاری ره‌گشا برای نهادهای فرهنگی و آموزشی کشور قلمداد شود.

جهانی شدن: تعاریف و مفاهیم

نظریه جهانی شدن، نخستین بار توسط والرشتاین (۱۹۷۹)

است دلالت می کند، نظامی از برداشت های به ارث رسیده که با صورت های نمادین بیان شده است» (احمدی، ۱۳۸۳). سمندر، جامعه شناس آمریکایی می گوید: «فرهنگ مجموعه آداب و رسوم و سنت ها و نهادهای اجتماعی است» (محسنی، ۱۳۶۳). در تعریفی که مورد قبول کنفرانس جهانی سیاست های فرهنگی (۱۹۸۲) می باشد فرهنگ عبارت است از: مجموعه ویژگی های مادی، معنوی، فکری و احساسی متمایزی که مختص یک جامعه یا گروه اجتماعی است (فرمehینی فراهانی، ۱۳۷۸).

با تعریفی که از جهانی شدن ارائه دادیم می بینیم که فرهنگ یکی از عرصه هایی است که تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارد (گیدنز، ۱۹۸۹). جهانی سازی پروژه سلطه گران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان برای تضعیف فرهنگ های ملی و ارزش های دینی است (ملکی، ۸۳). ایجاد هویت های چندگانه محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی از مهم ترین چالش های فرهنگی جهانی شدن محسوب می شود (جوادی، ۸۳). تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگ ملی و محلی در مقابل فرهنگ جهانی؛ و چالش همزیستی مسالمت آمیز فرهنگ های مختلف در کنار هم بیش از هر موقع دیگری مطرح می شود (کدیور، ۱۳۸۳). در این مورد یعنی تعامل فرهنگ محلی، ملی و فرهنگ جهانی نظریه های مختلفی مطرح است. در این که آیا در عصر جهانی شدن به همسانی فرهنگ ها می رسیم و فرهنگ های محلی نابود می شوند، گروهی از صاحب نظران و دانشمندان پدیده جهانی شدن را عامل تضعیف فرهنگ، هویت ملی و محلی می دانند و در مقابل گروهی دیگر سخن از فرهنگ جهانی به میان می آورند که به واسطه آن محصولات فرهنگی ملی و محلی در سطح بین المللی یا به قول مک لوهان در دهکده جهانی به گردش در می آیند (پهلوان، ۱۳۷۸؛ سلیمی، ۱۳۸۰).

روند شتابان جهانی شدن، فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است. در دنیای جهانی شده، فرهنگ های ملی و محلی در حاشیه قرار می گیرند و کنار گذاشته می شوند؛ و فرهنگ های سلطه که حاصل ارزش ها و باورهای جوامع دیگری است، بر فکر و اندیشه شهروندان جامعه حاکم می شود (غلیون، ۱۳۷۸)؛ به عبارتی واضح تر می توان گفت بحران های هویتی

بر امپریالیسم فرهنگی است و در سوی دیگر آن فرا استعماری تلقی کردن این پدیده به عنوان یک واقعیت فرا فرهنگی است. به هر حال جهانی شدن با هر تلقی مثبت یا منفی از آن واقعیتی است که هم موجد تغییر و تحول و دگرگونی است و هم بایستی آگاهانه با آن برخورد شود.

هانتینگتون، در نظریه برخورد تمدن ها به طور مستقیم فرهنگ را وارد عرصه کرده و بیان می کند چالش های آینده جهان ماهیت فرهنگی دارند. به اعتقاد وی در دنیای آینده منبع اصلی زد و خورد، منشاء اصلی تقسیم بندی بشریت و منبع غالب اختلافات فرهنگی خواهد بود (کافی، ۱۳۸۰؛ حافظ نیا، ۱۳۸۰). به نظر می رسد در دنیای جدید بیش از آنچه تصور می شود، جهانی شدن و فرهنگ درهم تنیده شده اند و همدیگر را تحت تأثیر قرار می دهند و از همدیگر متأثر می شوند و در فرایند این تغییر و تحولات و تأثیر و تأثرات است که برخی فرهنگ ها در معرض زوال و برخی دیگر در حال گسترش هستند. برای مثال آنتونی اسمیت، بیان می دارد که خطر بروز یک جنگ جهانی فرهنگی وجود داشته و به همراه این جنگ موجی از نگرانی از ارزش های قومی بروز خواهد کرد (اسمیت، ۱۳۶۴).

### فرهنگ؛ فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی

مرور ادبیات واژه فرهنگ این مطلب را به ذهن متبادر می سازد که تعریف روشن و مورد توافق همگان در مورد فرهنگ وجود ندارد. لسلی جانسون، در کتاب خود "منتقدان فرهنگ" می گوید: مفهوم فرهنگ، تاریخی پیچیده و پر ابهام دارد (طالقانی، ۱۳۸۲). با این وجود مفهوم غالبی که امروزه از واژه فرهنگ برداشت می شود در مقابل واژه ی کالچر (culture) قرار می گیرد (آشوری، ۱۳۸۰). کروبر<sup>۱</sup> و کلانکن<sup>۲</sup> با مرور بالغ بر صدوشصت و چهار تعریف از فرهنگ آن را مجموعه ای پیچیده از علوم، دانش ها، هنر ها، افکار، اعتقادات، آداب، سنن و قوانین اجتماعی و مقرراتی متصور شده اند که بر جامعه حاکم است و مورد پذیرش اعضای آن نیز می باشد (محسنی، ۱۳۶۳).

فرهنگ به ادعای برخی نویسندگان آن چیزی است که «بر الگوی معناهای نهفته در نمادها که به صورت تاریخی انتقال یافته

و فرهنگی در جوامع ملی و نفی استقلال فرهنگی دیگر ملل از تبعات جهانی شدن فرهنگ است (سجادی، ۱۳۸۳).

جهانی شدن با نفوذ پذیر ساختن مرزها و رها ساختن امور اجتماعی از بسترهای مکانی، کارایی فرهنگ‌های سنتی و همچنین دولت‌ها را در عرصه هویت‌سازی بسیار کاهش داده است. باید متذکر شد گرچه جهانی شدن همه فضاهای فرهنگی را فرو می‌ریزد، لکن زمینه مناسبی برای بازسازی و احیای فرهنگ‌های خاص نیز ایجاد می‌کند. در واقع می‌توان بیان کرد که جهانی شدن یک همگون‌سازی فرهنگی صرف نیست. لچنر عنوان می‌کند که عرصه فرهنگی جهان صرفاً عرصه تحمیل، تسلیم و تهاجم و همگونی و یا مقاومت ستیز آمیز نیست؛ بلکه عرصه داد و ستد، وصل همگونی و ناهمگونی هم هست (لچنر، ۲۰۰).

#### جهانی شدن و هویت ملی

پرسش "من کیستم" که پاسخ آن بیانگر هویت من است ابتدایی‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین و ابدی‌ترین نیاز معنوی انسان است. نیازهای روحانی و معنوی بسا مهم‌تر از نیازهای جسمانی و مادی است. واقعیت‌های معنوی یا روحانی منبع نامحدودی از نیروی ایمان، قدرت معنوی و نیروی الهام‌گیری و استقلال شخصیتی و فکری را در اختیار انسان می‌گذارد. بر مبنای چنین قدرت معنوی است که انسان می‌تواند خود را به سمت و سوی نقش آفرینی مثبت در اجتماع رهنمون شود. اگر نیازهای معنوی حس تعلق داشتن انسان به چیزی یا جایی ارضا نگردد و انسان از هویت خود آگاهی نیابد موجود سرگردانی بیش نیست که هرگز نخواهد توانست از کلاف سردرگم بی‌سر و سامانی و بی‌هدفی سر برون آورد. قامت آراستن و در راه وصلت هویتی و ریشه فرهنگی خویش تلاش کردن امری طبیعی و شناخته‌شده و شناساندن خویش به تکیه‌گاه فرهنگی و جغرافیایی ویژه خود برای پیش رفتن در گذرگاه پیشرفت زمان، و در عین حال سربلند بودن از موجودیتی جداگانه و مستقل از دیگران، حکم طبیعت است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹).

عصر جهانی شدن، عصر خیزش دوباره ملی‌گرایان نیز هست. این واقعیت را می‌توان هم در مبارزه با دولت‌های ملی مستقر و هم

در بازسازی فراگیر هویت بر پایه ملت مشاهده کرد که همواره در برابر یک اجنبی از آن دفاع می‌شود. در اشاره به پیامدهای جهانی شدن در کتاب "جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان" به رشد و تقویت هویت‌خواهی‌های قومی اشاره می‌شود. قومیت‌ها با کسب آگاهی و با استفاده از وسایل نوین ارتباطی از محرومیت‌های متنوع و گوناگون خود آگاه می‌شوند که منجر به مطالبات جدید آنها می‌شود (ایران زاده، ۱۳۸۰).

ریچارد مویر، جهانی شدن را با ظهور ملی‌گرایی‌های ناحیه‌ای برابر می‌داند و بیتهم، عنوان می‌کند که «روندی که طی آن عملیات اقتصاد بین‌المللی اختلافات ناحیه‌ای درون‌کشوری را تقویت می‌کند، مجدداً به ظهور ملی‌گرایی‌های ناحیه‌ای می‌انجامد که پیشتر خود را با حکومت ملی بزرگتر وفق داده بودند و نمی‌توان تقاضاهای آنها را برای خودمختاری بیشتر فرهنگی، بدون منازعه نادیده گرفت (میرحیدر، ۱۳۷۹).

در دیدگاهی، جهانی شدن در عرصه فرهنگ که برخی آن را همان امریکایی شدن جهان می‌دانند، فرایندی معکوس در زمینه هویت‌ها ایجاد کرده است. به عبارتی، هویت‌های محلی و ملی در نتیجه امریکایی شدن جهان، تحریک شده، رشد کرده و گسترش پیدا می‌کنند.

#### فرهنگ و تعلیم و تربیت

هرش و بلوم، هر دو فرهنگ را محور آموزش و پرورش می‌دانند. باید گفت فرهنگ و ادب هر ملتی سرمایه بی‌نظیری برای تثبیت نظام ارزشی و کسب استقلال و هویت جوانان و نوجوانان آن ملت است. برای استقلال ابدی یک ملت فرهنگ و اعتقادات اخلاقی و باورهای قلبی افراد آن ملت سلاحی برنده است. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که آموزش و پرورش بستر رشد و توسعه فرهنگ را فراهم می‌سازد. در دیدگاه این افراد ارتقای سطح فرهنگ جامعه از مهم‌ترین اهداف آموزش و پرورش می‌باشد و فعالیت‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که به توسعه‌ی عناصر فرهنگ کشور بینجامد. در مواردی نیز عدم توفیق در تقویت علاقه به فرهنگ ملی و حتی بیزاری از آن را به واسطه‌ی عملکرد نامناسب آموزش و پرورش می‌دانند (باقری، زیبا کلام، شرفی، مهر محمدی و فردریک مایر، اُکونور، بلوم و

در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پرورش مورد توجه قرار گیرد (کدیور، ۸۳).

چنانکه بیان شد، جهانی شدن موجب از میان رفتن مفهوم مرزهای جغرافیایی می‌شود و به دنبال نوعی انسجام وحدت‌گرایانه در مقوله فرهنگ در سطح جهانی است. یکسان‌سازی فرهنگی در سطح جهانی، تفاوت‌های فرهنگی را با جایگزینی تولیدات جوامع قدرتمند با تولیدات محلی از بین می‌برد. بنابراین وظیفه برنامه‌ریزان آموزشی در سطوح ملی، تدوین راهبردهایی برای مقابله با چنین تهدیدهای جهانی شدن در عین بهره‌مندی از نقاط قوت و فرصت‌های ناشی از آن است. آموزش و پرورش و برنامه‌ریزان آموزشی باید به منحصر به فرد بودن هر انسان احترام بگذارند، ضمن اینکه باید شهروندان را برای زندگی در دنیای «جهان شمول» آماده کنند و آنها را به شهروندانی تبدیل کنند که به فرهنگ بومی و قومی خود باز گردند و در غنی‌تر ساختن و توسعه آن فرهنگ بکوشند.

در ادامه به طور تیتروار به برخی از وظایف برنامه‌ریزان آموزشی در ارتباط با جهانی شدن فرهنگ اشاره شده است. برنامه‌ریزان آموزشی باید:

۱. با تدوین و طراحی مدل‌ها، الگوها و روش‌های مبتنی بر جهانی شدن آموزش‌های متناسب با تحولات و شرایط موجود را طراحی و به اجرا گذارند.
۲. هدفشان تربیت شهروندانی ملی و فراملی باشد.
۳. هدفشان آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام متقابل به ارزش‌های مشترک ملی و جهانی باشد.
۴. هدفشان ایجاد و تکوین هویت ملی و اجتناب از بحران‌های قومی و قبیله‌ای باشد.
۵. بسترهای ضروری و لازم را برای برخورد فراکنشی با پدیده جهانی شدن فراهم سازند (بازرگان، ۱۳۸۳؛ مرزوقی، ۱۳۸۳).

#### نتیجه‌گیری

جهانی شدن ابعاد مختلف زندگی بشر از جمله ابعاد فرهنگی، اقتصادی و... را دستخوش تغییر کرده است که در هر حوزه پیامدهای مثبت و منفی به همراه دارد. جهت‌برخورداری از فرصت‌ها و تأثیرات مثبت آن و اجتناب از تهدیدها و تأثیرات

هرش) هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای این است که افراد آن طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه بار آمده و به اعضای مفید و شایسته مبدل شوند (علاقه‌بند، ۱۳۸۷). نظام‌های آموزشی به طور عمده جهت‌محقق‌ساختن کارکردهایی چون فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری برنامه‌ریزی می‌شوند و برنامه‌ریزان آموزشی رسالت‌شان در نظر گرفتن چنین کارکردهایی برای نظام آموزشی هر جامعه متناسب با فلسفه تعلیم و تربیت آن جوامع است.

مهرمحمدی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان "تعلیم و تربیت، فرهنگ و جهانی شدن" در تعامل با پدیده جهانی شدن سه نوع نسبت میان فرهنگ و آموزش و پرورش مطرح می‌سازد. نخستین نسبت میان فرهنگ و تعلیم و تربیت در برخورداری دانش و معرفت از ریشه‌های فرهنگی و بومی<sup>۱</sup> است. متناسب با پیشینه‌های فرهنگی هر جامعه تعلیم و تربیت و توسعه آن روند‌های مختلفی را طی خواهد کرد. از این مطلب این نکته را می‌توان استخراج نمود که برنامه‌های آموزشی یکسان در محیط‌های گوناگون به نتایج آموزشی متفاوتی منتهی خواهد شد؛ به همین خاطر نمی‌توان برنامه‌های آموزشی یکپارچه‌ای را برای رسیدن به هدف‌هایی معین در جوامع مختلف به اجرا گذاشت. نسبت دوم بین فرهنگ و آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش زمینه‌استمرار و تداوم فرهنگ‌ها را فراهم می‌سازد که این، همان نسبت میان تعلیم و تربیت و فرهنگ انسانی است. نسبت سوم ناظر به رسالت انتقال فرهنگی<sup>۲</sup> است (مهرمحمدی، ۸۳).

#### برنامه‌ریزی آموزشی و جهانی شدن فرهنگ

عرصه‌های مختلف جهانی‌شدن چالش‌هایی را برای آموزش و پرورش به طور اخص و جوامع به طور اعم به دنبال داشته است یعنی جهانی‌شدن اقتصادی و تغییرات حاصله در سیاست و حکومت و تغییرات سریع در فن‌آوری‌ها و چالش‌های فرهنگی همچون مسایل اخلاقی و اجتماعی چالشی است اساسی که در سال‌های آینده با آن رو به رو خواهیم شد و برای پاسخ‌گویی به این چالش باید ابعاد مختلف مسأله و ارتباط این ابعاد با یکدیگر

منفی آن باید صحیح‌ترین شیوه برخورد با آن که به عقیده اغلب صاحب نظران برنامه‌ریزی آموزشی فراکنشی است، انتخاب شود. جهانی شدن به معنی مضمحل شدن کثرت و بروز وحدت تام نیست؛ یعنی کثرت و وحدت هر دو باید باشند. جهانی شدن یعنی روی آوردن به یک وحدتی در عین کثرت. وحدت عبارت از نقاط مشترک بین فرهنگ‌هاست. بنابراین جهانی شدن یک فراگرد صریح همگون سازی فرهنگ نیست؛ به عبارتی جهانی شدن نتوانسته است تنوع و گوناگونی فرهنگی را بر هم بزند.

در ارتباط با مقوله فرهنگ و هویت فرهنگی به طور کلی در حوزه جهانی شدن دو نوع نگرش توسط صاحب نظران مطرح می‌شود: ۱- جهانی شدن موجب احیای جنبش‌های ملی و قومی شده است. ۲- همگرایی فرهنگی، گرایش به یکی شدن، زوال و آنتروپی فرهنگ‌ها و هویت‌های ملی و قومی.

با توجه به استدلال‌های فوق و مروری بر ادبیات جهانی شدن و فرهنگ قابل استنباط است که هیچ یک از دو نوع نگرش فوق نسبت به تعامل بین جهانی شدن و فرهنگ در عالم واقع صادق نیست؛ بلکه ترکیبی از آنها رویکردی است که در آن فرهنگ‌های مختلف در عین برخورداری از استقلال بر هم تأثیر و تأثر دارند. به عبارت بهتر، جهانی شدن فرصتی فراهم می‌سازد تا فرهنگ‌های مختلف ملی در سطح جهانی و فراملی عرض اندام کنند. برای مثال، هنگامی که اعلام می‌شود در سال ۲۰۰۰ میلادی یکی از پرفروش‌ترین و پرتیراژترین کتاب‌ها در کشور آمریکا کتاب مثنوی مولوی بوده است، این امر نمایانگر وجود فرصت‌های گرانبها در عرصه فرهنگی برای کشوری چون ایران است که مولوی‌ها از سرزمین آن برخاسته است. این امر فرصت مناسبی برای تأثیر گذاری مناسب یا ایجاد ارتباط با اقشار مختلف و هم‌چنین اعتلای فرهنگ ملی و مذهبی ما در عرصه بین‌المللی است. بنابراین روشن است که بهره‌برداری مناسب از جهانی شدن به عنوان یک فرصت با داشتن و پرورش دادن نخبگانی چون مولوی است که ماحصل نظام آموزشی هر جامعه‌ای است.

ارتباطات جهانی در دنیایی جهانی شده رسالت‌های نظام‌های آموزشی را بس دشوار می‌نماید. به واقع وظیفه آموزش و پرورش در چنین عصری شناسایی و تربیت افراد خلاق و نخبه‌ی

است که علاوه بر حفظ هویت فرهنگی ملی، روند جهانی شدن را طی نمایند. افرادی چون مولوی که اشاره شد یا افرادی چون فارابی، ابن سینا، غزالی، جابرین حیان و ... هستند که غرب و شرق را تحت تأثیر قرار داده‌اند و رهبری اندیشه‌های آنها در ممالک مختلف جهان همچنان تداوم دارد. رسالت برنامه‌ریزان آموزشی طراحی و تدوین برنامه‌های مبتنی بر چنین آرمان‌هایی است تا در دنیایی جهانی شده نظام آموزشی کشور مسیر درستی را طی کند.

نظام‌های آموزشی و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش در ارتباط با جهانی شدن فرهنگ با چالش دوگانه‌ای رو به رو هستند که در یک سمت ساخت فرهنگ ملی و فراملی و در سمت دیگر جلوگیری از بحران‌ها و تضادهای احتمالی هویت‌های فرهنگی قومی و محلی است. بنابراین باید بتوانند تعادلی میان پذیرش فرهنگ‌های مختلف و ایجاد چارچوبی مشترک از ارزش‌ها و اهداف برای نیل به توسعه برقرار نمایند. به عبارت بهتر آنها باید فعالیت‌ها و اقداماتی چون آموزش همزیستی مسالمت‌آمیز، ترویج احترام به ارزش‌های مشترک ملی و فراملی (جهانی)، توانایی کار کردن با دیگران، مهارت همکاری و مشارکت و ... را سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهند. مسئولان آموزش و پرورش باید به جای مقاومت در برابر جهانی شدن، آن را بهتر بشناسند تا بتوانند بهترین واکنش را در مقابل آن نشان دهند و چنانکه اشاره شد ضمن اجتناب از تهدیدات آن از فرصت‌های حاصل از آن بهترین استفاده را بکنند.

ژاک هلک، مدیر موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی (۱۹۹۸)، در ارتباط با جهانی شدن وظیفه برنامه‌ریزان آموزشی را بسیار حساس می‌شمارد و بیان می‌کند برنامه‌ریزان آموزشی باید به طور جدی در مورد پیامدهای جهانی شدن بیاندیشند. هلک در بحث از برنامه‌ریزی آموزشی برای رو به رو شدن با پدیده جهانی شدن بیان می‌کند که ابتکار عمل و خلاقیت در دنیایی جهانی شده بسیار مهم‌تر از اطلاعات است. به عبارت بهتر، وی سخن از نوعی بی‌سوادی جدید به میان می‌آورد که حاصل پایین بودن کیفیت آموزش‌های رسمی یا مدرسه‌ای است. هلک در نتیجه‌گیری از بحث خود - چنان که در این مقاله هم بدان اشاره شد - به شناسایی و تربیت افراد نخبه و سرآمد که بتوانند ضمن حفظ فرهنگ و هویت فرهنگی

ملی خود در سطح جهانی هم تأثیر گذار باشند (کسانی چون مولوی) اشاره می کند.

#### منابع:

- احمدی، سیدعباس، (۱۳۸۳). جهانی شدن، فرهنگ و ژئوکالچر. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- آشوری، داریوش، (۱۳۸۰). تعریف ها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- ایران زاده، سلیمان، (۱۳۸۰). جهانی شدن و تحولات استراتژیک در مدیریت و سازمان. تبریز: مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز.
- بازرگان، زهرا، (۱۳۸۳). جهانی شدن و تحول نقش مدیران آموزشی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو، (۱۳۸۳). چالش های معرفت شناختی جهانی شدن برای تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- باقری، خسرو، (۱۳۷۵). «تعلیم و تربیت در منظر پست مدرنیسم». مجله‌ی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. شماره دوم.
- پهلوان، چنگیز، (۱۳۷۸). جهانی شدن فرهنگ. مجله اندیشه جامعه. بهمن. شماره ۹.
- تاملینسون، ج. (۴). جهانی شدن و فرهنگ محسن حکیمی، (۱۳۸۱). تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- جوادی، محمد جعفر، (۱۳۸۳). چالش های اخلاقی در مواجهه با جهانی شدن. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- سجادی، سیدمهدی، (۱۳۸۳). جهانی شدن، تعلیم و تربیت، پیامدها و چالش ها. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- سلیمی، حسین، (۱۳۸۰). جهانی شدن، فرهنگ و پساتجددگرایی. روزنامه نوروز، ۱۸ آذر ۱۳۸۰، نویسنده میرجهانشاهی.
- عطاران، محمد، (۱۳۸۳). جهانی شدن و تأثیر آن بر اهداف تعلیم و تربیت. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- غلیون، برهان، (۱۳۷۸). جهانی سازی و گفت و گوی تمدن ها باقری، (۱۳۷۸). روزنامه کیهان.
- کدیور، پروین، (۱۳۸۳). ضرورت آموزش شهروندی در جامعه جهانی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ و هویت. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، (۴). جامعه شناسی منوچهر صبوری، (۱۳۷۳). تهران: نشر نی.
- لاتوش، سرژ (۴). غربی سازی جهان امیر رضایی، (۱۳۷۹). تهران: نشر قصیده.
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۹). ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی. تهران: نشر نی.
- مرزوقی، رحمت اله، (۱۳۸۳). جهانی شدن، تربیت و رسالت برنامه درسی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- ملکی، حسن، (۱۳۸۳). جهانی شدن، تعلیم و تربیت و خانواده. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۳). تعلیم و تربیت فرهنگ و جهانی شدن. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جهانی شدن و تعلیم و تربیت. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- Halak, jacques. (1998). Education and Globalization. EP. Newsletter, April- June. Vol. xvi. No. 2.
- Scholte, J.A. (2000). Globalization some definitions. ([www.infed.org/biblio.defining-Globalization.htm](http://www.infed.org/biblio.defining-Globalization.htm))
- Sperling, M. (2001). Globalization Versus Global education.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی